

نقش جامعه مدرسین در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی (با تأکید بر کارویژه فقه حکومتی)

عباسعلی مشکانی سبزواری

دکتری و مدرس فقه سیاسی

دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

جامعه مدرسین تشکلی برخاسته از حوزه و روحانیت با صبغه کاربری سیاسی- اجتماعی است که در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی نقشی تاثیرگذار و خدماتی چشم‌گیر نسبت به انقلاب داشته است. مقاله حاضر عهده‌دار تبیین کارکردها، کارویژه‌ها و نقش‌های جامعه مدرسین در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی است. در این بین به جهت اهمیت مرحله توسعه انقلاب اسلامی از کشور و دولت اسلامی به تمدن اسلامی، جامعه مدرسین کارویژه‌های مهمتری را برعهده دارد. یکی از مهمترین کارویژه‌های جامعه در این مرحله، مهیا کردن شرایط برای تولید و اشاعه فقه حکومتی به عنوان نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: جامعه مدرسین، فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، فقه سنتی، فقه پویا، فقه

حکومتی.



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

مقدمه

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، یکی از معتبرترین و تأثیرگذارترین تشکل‌های برآمده از حوزه و روحانیت است، که در دوران معاصر برای اولین بار و به طور رسمی به نمایندگی از حوزه و روحانیت، به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی پرداخته و در صدد طرح و بحث اسلام سیاسی و حکومتی بوده است. به بیان دیگر، بزرگترین بازتاب و پیامد تاسیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، طرح «اسلام سیاسی و حکومتی» و به دنبال آن «سیاسی شدن حوزه علمیه» و رویکرد جدید «روحانیت به امور کشور» بود؛ چرا که قبل از آن، همواره مرزهای حوزه علمیه با سیاست و رژیم شاه مراعات می‌شد و سعی بر این بود که میان مرجعیت و سلطنت، روابط و مناسبت‌های دوستانه برقرار باشد. اما با اعلام مرجعیت عام امام خمینی(ره) توسط جامعه مدرسین، رویکرد جدید روحانیت پیرامون امور کشور و حاکمیت، هویدا گردید. برآیند فعالیت‌های جامعه مدرسین، اشاعه و گسترش اندیشه‌های سیاسی و حکومتی در حوزه‌های علمیه بود. به بیان روشن‌تر می‌توان جامعه مدرسین را خاستگاه و گرانگاه اسلام سیاسی و حکومتی در دروان معاصر به شمار آورد. با این حساب، نقش جامعه مدرسین در نقطه آغازین و مرحله ایجاد انقلاب اسلامی، نقشی اثرگذار و چشم‌گیر است. جامعه مدرسین در مراحل بعدی انقلاب نیز نقش‌های کلیدی و مهمی را عهده‌دار بوده و اکنون در مرحله توسعه انقلاب اسلامی نیز، وظایف و کارویژه‌های خطیری را بر عهده دارد. مقاله حاضر عهده‌دار تبیین نقش جامعه مدرسین در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی از نقطه آغاز تا نقطه آرمانی آن، یعنی وصول به تمدن نوین اسلامی، است. بدین منظور، پس از معرفی و تبیین مراحل تکاملی انقلاب اسلامی، به نقش‌ها، کارکردها و کارویژه‌های جامعه مدرسین در هر کدام از این مراحل پرداخته خواهد شد. در انتها پس از تبیین شرایط فعلی انقلاب اسلامی، مهمترین کارویژه جامعه مدرسین در مرحله توسعه انقلاب اسلامی مورد بحث قرار خواهد گرفت. به بیان روش‌تر، انقلاب اسلامی پس از گذار از دوره ایجاد و استقرار، اکنون در مرحله توسعه به سر می‌برد. چنانکه جامعه مدرسین در دو مرحله ایجاد و استقرار به ایفای نقش‌هایی مهم و کلیدی در فرایند انقلاب اسلامی پرداخته است، امروز با توجه به قرار گرفتن انقلاب اسلامی در مرحله توسعه از «کشور و دولت اسلامی» به «تمدن نوین اسلامی» کارویژه‌های مهم‌تر و حیاتی‌تری را بر عهده دارد که به نظر می‌رسد مهمترین این کارویژه‌ها، فراهم‌آوری مقدمات تولید و اشاعه «فقه حکومتی» به عنوان نرم‌افزار

انقلاب اسلامی در مرحله توسعه، می‌باشد. برشمردن مقدمه‌چینی تولید و اشاعه فقه حکومتی به عنوان مهمترین کارویژه جامعه مدرسین در مرحله توسعه انقلاب اسلامی، مبتنی بر آهنگ اهداف و وظایفی است که در اساسنامه این جامعه بر آن تاکید شده است. بخش پایانی مقاله حاضر راهبردها و راهکارهای تولید و اشاعه فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری و نیز اعضای فعلی جامعه مدرسین می‌باشد.

(۱) مناسبات روحانیت و سیاست

از آنجا که جامعه مدرسین تشکلی برآمده از دل حوزه و روحانیت است، و در مورد مناسبات روحانیت و سیاست، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، ابتدا به بررسی این دیدگاه‌ها پرداخته، جایگاه و دیدگاه جامعه مدرسین در نقشه مفهومی مناسبات روحانیت و سیاست را به کاوش می‌نشینیم.

در یک جمع‌بندی کلی، دیدگاه‌ها در مورد نسبت روحانیت و سیاست، به دو دیدگاه کلان

مخالفان و موافقان قابل تقسیم است. این هر دو نیز، به دو گروه برون حوزوی و درون حوزوی تقسیم می‌گردند. مخالفان دخالت روحانیت در سیاست در بیرون از حوزه، شامل گروه‌های

ماتریالیست منافع همچون گروه فرقان و نیز مارکسیست‌ها و برخی ناسیونالیست‌های اسلامگرا

می‌باشد. در این میان گروه‌های چپ ایرانی که تفسیری الحادی و ماتریالیستی از آموزه‌های دینی

داشتند، روحانیت را به عنوان ضدتوحیدی‌ترین عنصر جامعه معرفی می‌کردند و دخالت

روحانیت در سیاست و همچنین تلاش ایشان برای تشکیل حکومت را حرکتی همسو با استعمار

و استبداد می‌دانستند و همواره از شعار اسلام منهای روحانیت دفاع می‌کردند (رحمان‌دوست،

۱۳۸۰: ۱۹۷). مارکسیست‌ها، دیگر مخالفان برون حوزوی دخالت روحانیت در سیاست بودند که

مذهب را پناهگاه مجهولات و مبهمات تلقی می‌کردند و روحانیت را در اتحاد تسبیح و سرنیزه،

آلت دست طبقه مقتدر و هیئت حاکمه می‌انگاشتند (ارانی، بی‌تا: ۲۶۹). این طیف در ایران ابتدا از

روحانیت در برابر لیبرال‌ها حمایت کرد، اما با توجه به عقیده باطنی خویش در مورد روحانیت،

در انتها به میدان مبارزه با ایشان کشانده شد و در این مبارزه از هم متلاشی شد. ناسیونالیست‌های

اسلامگرا از دیگر مخالفان دخالت روحانیت در حکومت و سیاست بودند. این گروه گرچه در

ابتدای انقلاب و با پیشنهاد خود روحانیت موفق به تشکیل اولین دولت شدند، اما در ادامه با

اصرار بر جمهوری دموکراتیک اسلامی، به مخالفت با روحانیت پرداخته و خواهان کناره‌گیری



شماره دوم

بهار و تابستان

۱۳۹۹

ایشان از حکومت و سیاست شده و بازگشت روحانیت به قم و پرداختن به درس و بحث را پیشنهاد کردند! این گروه تا سالها در مصادر ریز و درشت بر مسند قدرت باقی ماند و همچنان بر دیدگاههای خود مبنی بر لزوم عدم دخالت روحانیت در سیاست و حکومت پافشاری کرده و هنوز نیز می‌کند (ن.ک. فراتی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). در مقابل اینها، گروه‌های راست و مذهبی قرار داشتند که طرفداران برون حوزوی دخالت روحانیت در سیاست و حکومت قلمداد می‌شدند (ن.ک. میرسلیم، ۱۳۸۹: ۴۱۶).

در درون حوزه‌های علمیه و روحانیت، دیدگاه‌ها در این مورد به دو دسته سلبی و ایجابی و هرکدام از این دو به سستی و نواندیش تقسیم‌پذیر است. طرفداران نظریه سلبی - سستی و نیز سلبی - نواندیش بر سیاست عرفی تأکید کرده و حضور دین و روحانیت در سیاست و حکومت را روا نمی‌دانند. این گروه یا بر اساس دلایل فقهی و یا بر اساس مقدس دانستن حوزه و روحانیت، دخالت در سیاست و حکومت را جایز نمی‌دانند (گرامی، ۱۳۸۲: ۹۶).

در مقابل این گروه، موافقان و طرفداران دخالت روحانیت در سیاست و حکومت قرار دارند. طرفداران نظریه ایجابی - نواندیش، و نیز ایجابی - سستی، بر این باورند که سیاست بخش مهمی از اسلام است و حوزه و روحانیت باید به عنوان مفسران و مجریان دین به صورت فعال در امور سیاسی و حکومتی دخالت کنند. طرفداران درون حوزوی دخالت روحانیت در سیاست نیز به سه گروه محافظه‌کار، میانه‌رو و فعال تقسیم می‌گردد. روحانیت محافظه‌کار کمترین دخالت در امور سیاسی را داشته و بیشترین دغدغه آنها عمل به احکام رساله توضیح‌المسائل توسط مردم است. روحانیت میانه‌رو بر سرنگونی دولت پهلوی اصرار نداشته و بر اجرای قانون اساسی و فعالیت فرهنگی بر توسعه اسلام و مبارزه تأکید داشته است. روحانیت فعال اما، معتقد بود که تمام مشکلات فرهنگی و سیاسی و بین‌المللی و اقتصادی، ناشی بی‌کفایتی و انحرافات حکومت‌های ظالم و دوری عالمان دینی از حکومت و سیاست است (خسروپناه، همان: ۵۸). با تلاش‌های پیگیر این گروه بود که انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و حکومت دینی با محوریت فقه شیعی و با حاکمیت فقیه عادل تشکیل گردید. جامعه مدرسین به همراه جامعه روحانیت مبارز، هسته مرکزی گروه اخیر را تشکیل می‌دهند. در عمل نیز جامعه مدرسین با اعلام مرجعیت رسمی و عام امام خمینی (ره) و طرح اندیشه‌های سیاسی و اسلام حکومتی در حوزه‌های علمیه، رسماً و علناً این ایده را پی گرفت.

۲) کارکردها و کارویژه‌های جامعه مدرسین

با توجه به رویکرد ساختاری^۱ در جامعه‌شناسی نیروها و نهادهای اجتماعی، که نقش و کارکرد ساخت‌های سیاسی و اجتماعی آنها را بر فرایندهای سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد، ساخت سیاسی و اجتماعی جامعه مدرسین به مثابه یک تشکل حوزوی- اجتماعی، و زیر مجموعه‌ای از حوزه و روحانیت، دارای کارکردها و کارویژه‌هایی است که از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در حوزه و نیز خود این تشکل ناشی می‌شود.

با این حساب جامعه مدرسین دارای دو سنخ کارکردها و کارویژه‌ها خواهد بود: یک) کارکردهای عمومی: کارکردهایی که عموماً برای حوزه و روحانیت تعریف می‌شود، و جامعه مدرسین به مثابه یک تشکل روحانی و حوزوی و زیرشاخه‌ای از حوزه و روحانیت، دارای این کارکردها خواهد بود. دو) کارکردهای اختصاصی (کارویژه‌ها): کارکردها و وظایفی که بر اساس اساسنامه جامعه مدرسین برای این تشکل تعریف می‌شود. بدیهی است که کارویژه‌های این تشکل با کارکردهای عمومی حوزه و روحانیت منافاتی نداشته و در راستای آن و مکمل آن خواهد بود. در ذیل به تبیین این دو سنخ کارکرد می‌پردازیم:



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

۲.۱. کارکردهای عمومی جامعه مدرسین: چنانکه گذشت حوزه و روحانیت دارای کارکردها

و کارویژه‌هایی مختلفی است و این سنخ کارکردها برای کلیت حوزه و روحانیت و تمامی ارگانها، تشکلات و نهادهایی حوزوی بوده و یا صبغه حوزوی دارند، قابل تعریف است. جامعه مدرسین نیز به خاطر اینکه تشکلی حوزوی و برآمده از حوزه و روحانیت است، دارای این کارکردها می‌باشد. برخی از کارکردهای عمومی، در تمامی دوره‌ها و با قطع نظر از شرایط و امکانات، بر عهده حوزه و روحانیت می‌باشد. برخی از آنها نیز ناظر به شرایط و امکانات بوده و وجود و یا فقدان برخی شرایط و امکانات، در بود یا نبود این کارکردها نقش اساسی دارد. از جمله این امکانات و شرایط، «بسط ید روحانیت» و «حکومت دینی» است. به تبع وجود این شرایط، کارکردهای روحانیت نیز دچار قبض و بسط می‌گردد. لذا بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی، و بالتبع با تغییر در ساخت حوزه و روحانیت، کارکردهای آنان نیز متحول گردیده است. کارکردهای

۱. پارسونز در تحلیل ساختار می‌گوید: مجموعه همبسته‌ای از نقش‌ها، گروه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و نهادهایی که کنش‌های خاصی را تجویز، تحریم، تشویق و تقبیح می‌کنند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۲۷۷).

عمومی با دامن‌گستر شدن شرایط و امکانات قلمرو بیشتری یافت و در کنار آن، کارکردهای نوینی، که ناشی از برقراری حکومتی دینی با محوریت فقیه عادل بود، برای آنان تعریف و واگذار گردید. در یک تقسیم‌بندی کلی، کارکردهای عمومی حوزه و روحانیت، به سه دسته تقسیم می‌گردد: کارکردهای سنتی، پنهانی و موقعیت‌مند.

الف) کارکردهای همیشگی و سنتی: این دسته از کارکردها، جزو کارکردهای اصیل و تبعاً مستند به نص می‌باشد. مشخصه اصلی این کارکردها این است که در کلیت عصر غیبت جاری است و به زمان حکومت طاغوت یا زمان بسط ید فقهاء اختصاص ندارد و جملگی مستند به متن قرآن و سنت است. به بیان دیگر، روحانیت وظایف ثابتی دارد که همگان بر آن اجماع دارند، وظایفی که در کلیت عصر غیبت، جریان داشته و اختصاص به حکومت‌های خاص ندارد. مهمترین کارکرد دائمی و سنتی حوزه و روحانیت عبارت است از «فهم، حفظ، ترویج و دفاع از دین و معارف آن». این امر، اساسی‌ترین کارکرد روحانیت تلقی می‌شود: «تردید نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود، تلاش نموده‌اند تا مسایل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۲۱: ۸۸). این کارکرد، نشانگر فلسفه وجودی حوزه و روحانیت است. چنانکه ستیز آنان با رژیم‌های طاغوتی، بویژه رژیم طاغوتی پهلوی، نیز به دلیل رفتار ضد شرعی آنها و تهدید مبانی دینی بود. بدیهی است تحلیل رفتار سیاسی روحانیت به عنوان حاملان، مفسران و مروجان شریعت، بدون شناخت این کارکرد، دچار کاستی است: «اگر کسی خیال کند که به غیر از جامعه علمی روحانیت تشیع، کسی خواهد توانست قرآن و اسلام را علم کند و تبیین و تفهیم نماید و در دنیا، ایمان و اعتقاد در دلها به وجود بیاورد، ... تصور غلط و اشتباهی است» (مقام معظم رهبری، ۶۹/۷۵).

ب) کارکردهای پنهان: دسته دوم، کارکردهایی هستند که از آن با عنوان کارکردهای ناملموس و غیررسمی اما مختص به روحانیت یاد می‌شود. اکثریت جامعه و نیز حکومت از این کارکرد بهره‌مند می‌شوند. حوزه و روحانیت به عنوان نهادی فرهنگی و اخلاقی و نیز به دلیل حضور پراکنده و گسترده‌ای که در مناطق شهری و روستایی کشور دارد، عملاً در تأمین وفاق و انسجام اجتماعی جامعه شرکت می‌جوید. هدایت‌گری‌های اخلاقی و دینی روحانیت در کنار تلاشی که برای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی دارد، امنیتی نرم‌افزاری فراهم می‌آورد که معمولاً در

معادلات و هزینه‌های امنیتی به حساب نمی‌آید. به بیان روشن‌تر، یکی از کارکردهای مهم، اما ناملموس حوزه و روحانیت، کارکرد ایجاد هبستگی و وفاق اجتماعی است. اصولاً یکی از آفت‌هایی که جوامع در حال گذاری چون ایران را تهدید می‌کند، بحرانهای ناشی از دگرگونی است. این وضعیت، جامعه در حال تغییر را دچار از هم گسیختگی ساخته و شکاف‌های اجتماعی را فعال، و فرایند نوسازی را دچار چالش می‌سازد. حضور حوزه‌های علمیه و نیز روحانیت در سراسر کشور، با برخورداری از توانایی‌های نمادین، بویژه به کارگیری نمادهای دینی، به برانگیختن حس همبستگی در جامعه کمک می‌نماید. منظور از همبستگی و وفاق اجتماعی نیز، به هم پیوستن و مجتمع ساختن اجزای یک جامعه و واحدهای کوچک آن به یک کل همبسته‌تر می‌باشد، به نحوی که توان آن اجزاء و واحدهای کوچک و پراکنده و مختلف، انباشته و متمرکز شود و از طریق همیاری و همکاری آحاد جامعه و حمایت آنان از نظام سیاسی بحران‌های حاصل از دوران گذار را حل نماید. این کارکرد مهم و حیاتی، با حضور و فعالیت حوزه و روحانیت در سراسر کشور جامه عمل می‌پوشد، بدون اینکه در معادلات و برنامه‌ریزی‌های امنیتی بدان توجه شود و یا برای آن سرمایه‌گذاری گردد.



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

ج) کارکردهای موقعیت‌مند: از آنجا که حوزه و روحانیت، نهادی فعال و کنش‌گری آگاه است، همواره بر حسب موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی، قلمروی وظایف و نقش‌های خود را بازنگری و بازبینی می‌کند و گستره وظایف و کارکردهای خود را مورد قبض و بسط قرار می‌دهد. این کارکردهای حوزه و روحانیت در کلیت عصر غیبت، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد و ناظر به شرایط و امکانات قابل تعریف می‌باشد. به اصطلاح منطقی، این سنخ از کارکردهای حوزه و روحانیت، «بشرط شیء» است. یعنی به شرط فراهم بودن امکانات و شرایط و نیز وجود خواست و نیاز در عرصه‌های مختلف، حوزه و روحانیت کارکردهایی متناسب با شرایط و امکانات و نیز خواست‌ها و نیازها، برای خود تعریف می‌کند. این دسته از کارکردها، عنوان «کارکردهای موقعیت‌مند» را به خود اختصاص می‌دهد.

۲.۲. کارویژه‌های جامعه مدرسین (کارکردهای اختصاصی): علاوه بر کارکردها و وظایف

عمومی که برای جامعه مدرسین به مثابه یک تشکل روحانی و حوزوی تعریف می‌شود، برخی از کارویژه‌ها و کارکردهای اختصاصی نیز خصوصاً متوجه این جامعه است. به بیان روشن‌تر،

جامعه مدرسین در اساسنامه خود، در راستای کارکردهای عمومی حوزه و روحانیت، مجموعه‌ای از کارکردها و وظایف را برای خود تعریف کرده است. این کارکردها با عنوان کارویژه‌ها (کارکردهای اختصاصی) جامعه مدرسین قابل تعریف است. گرچه برخی از این کارویژه‌ها با کارکردهای عمومی همپوشانی دارد، اما برخی دیگر اخص از آنها بوده و به عنوان وظیفه‌ای علیحده برای جامعه مدرسین شناخته شده است. کارویژه‌های جامعه مدرسین بر اساس ماده هشتم از اساسنامه این جامعه به شرح ذیل است:

الف) ترویج و گسترش معارف اسلام ناب محمدی و مکتب اهل بیت معصومین(ع)؛

ب) دفاع از قرآن و عترت و ارزش‌های اسلامی؛

ج) زمینه‌سازی و جهت‌دهی به تحقیقات در علوم و معارف اسلامی؛

د) تلاش برای اصلاح و تکمیل و اعتلاء برنامه‌های حوزه‌های علمی از طریق شورای عالی حوزه؛

ه) دفاع از نظام اسلامی و ولایت‌فقیه؛

و) ایجاد زمینه مناسب جهت پرورش نیروهای حوزوی مورد نیاز نظام اسلامی؛

ز) انجام سایر اموری که برای رسیدن به اهداف جامعه مدرسین ضرورت دارد، مانند: تأسیس

مؤسسات فرهنگی و غیره (ر.ک. اساسنامه جامعه مدرسین).

۳) فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی

غالباً هر انقلابی از یک نقطه آغاز و با طی مراحل مختلف و فرآیندی مشخص و مدون در مسیر وصول به اهداف نهائی خود گام برمی‌دارد. انقلاب اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در حقیقت نقطه آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران، قیام رسمی امام خمینی(ره) در سالهای ۴۱-۴۲ بود و تا امروز با طی مراحل و فرآیندی خاص در مسیر وصول به اهداف نهائی خود گام برداشته است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان در تبیین فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی دارند. گرچه نهان و ماهیت فرآیندهای مطرح یکی است، اما دسته‌بندی‌ها و عنوان‌گذاری مراحل، مختلف و متعدد است. از میان فرآیندهای مطرح، سه فرآیند از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است. در یک طرح فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی پنج مرحله دارد، در دو طرح دیگر اما، این فرآیند، سه مرحله را شامل می‌شود.

یک) فرآیند پنج مرحله‌ای (اندک‌ت): این فرآیند از ابتکارات مقام معظم رهبری است که در مواقع و جایگاه‌های مختلفی مطرح و پیرامون آن به بحث پرداخته‌اند. از نگاه ایشان فرآیند تکاملی انقلاب

اسلامی، دارای پنج مرحله است: (۱) تحقق انقلاب اسلامی؛ (۲) تحقق نظام اسلامی؛ (۳) تحقق دولت اسلامی؛ (۴) تحقق کشور اسلامی؛ (۵) تحقق تمدن اسلامی (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۸/۶).

دو) فرایند سه مرحله‌ای (اول): در دیدگاهی دیگر، فرایند انقلاب اسلامی، در سه مرحله پیش‌بینی و طراحی شده است. مراحل و مقاطع این فرایند عبارتند از: (۱) ایجاد انقلاب سیاسی؛ (۲) ایجاد انقلاب فرهنگی؛ (۳) ایجاد تمدن اسلامی (جمالی، بی‌تا: ۵).

سه) فرایند سه مرحله‌ای (دوم): در دیدگاهی دیگر نیز فرایند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. مراحل سه‌گانه این فرایند به شرح ذیل است: (۱) ایجاد انقلاب اسلامی؛ (۲) استقرار انقلاب اسلامی؛ (۳) توسعه انقلاب اسلامی (مشکانی، بی‌تا: ۱۰).

فرایند اخیر قابل تطبیق بر دو فرایند پیشین بوده و در واقع وجه جمع آنها به شمار می‌آید. مقاله حاضر با استفاده از فرایند اخیر به تحلیل مراحل تکاملی انقلاب اسلامی و نقش جامعه مدرسین در این فرایند پرداخته است.

۴) نقش جامعه مدرسین در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی

شماره دوم

چنانکه گذشت بر اساس یک دیدگاه فرایند تکاملی انقلاب اسلامی شامل سه مرحله است: بهار و تابستان

۱۳۹۹

ایجاد، استقرار و توسعه. جامعه مدرسین به مثابه یک نهاد حوزوی سیاسی، از ابتدا در مراحل مختلف انقلاب اسلامی نقش آفرین و اثرگذار بوده است. در ذیل به تبیین نقش این تشکل در هر کدام از مراحل سه‌گانه انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

الف) نقش جامعه مدرسین در ایجاد انقلاب اسلامی: سابقه فعالیت جامعه مدرسین در راستای ایجاد انقلاب اسلامی به سالیان قبل از دهه ۴۰ بازمی‌گردد، اما نقطه اوج فعالیت‌های این تشکل، معرفی امام خمینی (ره) به عنوان مرجع علی‌الاطلاق جهان تشیع بود که عملاً جرقه انقلاب اسلامی را زد. اهمیت این اقدام از آن حیث است که رژیم پهلوی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی (ره) به دنبال انتقال مرجعیت از قم به نجف بود تا از هر نوع فعالیت کلان سیاسی-مذهبی در ایران جلوگیری کند، اما جامعه مدرسین با معرفی امام خمینی به عنوان مرجع علی‌الاطلاق شیعه، اولاً نقشه رژیم را خنثی کرد و ثانیاً جرقه انقلابی را زد که تا پیش از آن چونان آتش زیر خاکستر بود. دو سال بعد، آنگاه که جرقه پیش گفته، در سال ۴۲ شعله کشید و امام خمینی رسماً مبارزه خود را آغاز کرد، جامعه مدرسین به پشتیبانی و پیروی از ایشان پرداخت و تمام توان

خود را در تأیید و ادامه مبارزات به کار گرفت. پس از تبعید امام خمینی، دامنه فعالیت‌های جامعه افزایش یافت و این تشکل در کنار دیگر نهادهای مردمی و حوزوی در راستای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی به تلاش پرداخت. صدور بیانیه، ارسال مبلغین، دعوت از مردم برای شرکت در تظاهرات، رسیدگی به امور خانواده زندانیان و اعتصابیون، برنامه‌ریزی برای تحصن‌ها و راهپیمائی‌ها، ارسال نامه سرگشاده به کمیسیون حقوق بشر، ترویج و گسترش دایره مرجعیت حضرت امام، افشاگری علیه رژیم پهلوی، تماس با فقهاء و مراجع قم و علمای بلاد و تقاضای حمایت از انقلاب، تماس با امام خمینی و اجرای فرامین حضرتش و بالاخره صدور اعلامیه مبنی بر خلع شاه و تاسیس حکومت اسلامی در آذر سال ۵۷ (داری، ۱۳۸۹: ۲۰۸) از جمله فعالیت‌های جامعه در مرحله ایجاد انقلاب اسلامی می‌باشد. به واقع مهمترین کار جامعه مدرسین در دوره ایجاد انقلاب اسلامی، علاوه بر وارد کردن سیاست به متن حوزه‌های علمیه، پایان دادن به انفکاک سیاست از حوزه و روحانیت بود، بزنگاهی که مشروعیت هر نوع فعالیت سیاسی و اجتماعی را از حوزه و روحانیت سلب کرده و آنها از اجتماع، سیاست و حکومت بیگانه کرده بود.

ب) نقش جامعه مدرسین در استقرار انقلاب اسلامی: پس از غلبه و پیروزی بر رژیم منحوس پهلوی و ایجاد انقلاب اسلامی و بازگشت حضرت امام به کشور، مسئولیت جامعه مدرسین تغییر کرد و از مبارزه با رژیم طاغوتی و ایجاد انقلاب اسلامی، به مشارکت در استقرار انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت دینی مبدل شد. جامعه مدرسین در این مرحله وظیفه داشت در چند جهت به استقرار انقلاب اسلامی و تثبیت جمهوری اسلامی کمک کند:

(۱) پذیرفتن مسئولیت‌های مربوط به نظام؛ در همین رابطه اعضای جامعه در نهادهای مختلفی همچون شورای انقلاب، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، دستگاه قضایی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی، حضور فعال پیدا کردند.

(۲) تبیین و تحقیق مسائل مورد نیاز نظام، مانند مسائل اقتصادی، قضایی و حقوقی، جزائی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.

(۳) اصلاح و برنامه‌ریزی برای حوزه‌های علوم دینی، به گونه‌ای که با نیاز نظام و جهان اسلامی هماهنگ باشد و بویژه تشکیل شورای مدیریت در حوزه علمیه قم و اداره حوزه به صورت بهتر.

۴) تدریس علوم و معارف اسلامی و تبلیغ و گسترش اسلام در ایران و سایر کشورهای جهان. رصد فعالیت‌های جامعه مدرسین در دوره استقرار انقلاب اسلامی، نقش فعال و فراگیر این تشکل در این مرحله از انقلاب را به نمایش می‌گذارد. حضور جامعه مدرسین در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در دوره استقرار انقلاب اسلامی، حضوری تأثیرگذار و تعیین کننده بوده و این حضور متقابلاً در سیاسی‌تر شدن و حکومتی‌تر شدن تشکل جامعه مدرسین نقش مهمی داشته است. در دوره استقرار انقلاب اسلامی، بخش عمده مبانی نظری انقلاب و اداره کشور متعلق به جامعه مدرسین و اعضای آن بوده است. نیز سهم عظیمی از جامعه مدرسین در تدوین و تصویب قانون اساسی قابل انکار نیست، به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان، قانون اساسی را محصول فکری بخش اعظم اعضای جامعه مدرسین در مجلس خبرگان قانون اساسی می‌دانند (ن.ک. دارابی، ۱۳۸۹: ۲۱۳). شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس

شورای اسلامی و حمایت از افراد و جریان‌های اصلاح و در مقابل برخورد با افراد و جریان‌های ناصالح و مغرض و طرد و اعلام عدم مشروعیت آنها (مانند بیانیه عدم مشروعیت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نیز نامشروع خواندن مصوبه کنوانسیون رفع تبعیض از حقوق زنان در مجلس ششم)، از جمله فعالیت‌های اساسی جامعه مدرسین در دوره استقرار انقلاب است.

معرفی مراجع تقلید و بازتعریف نقش روحانیت در نظام جمهوری اسلامی و نیز همگام و هماهنگ‌سازی حوزه‌های علمی با نظام اسلامی که در همایش‌ها، مکتوبات و اعلامیه‌ها به دنبال آن هستند را نیز باید از کارهای مهم این تشکل در این دوره از انقلاب به حساب آورد.

ج) نقش جامعه مدرسین در توسعه انقلاب اسلامی: جامعه مدرسین در حال حاضر از سازمان نوینی برخوردار شده و اعضای آن در غالب ارکان نظام حضور و مسئولیت دارند. علاوه بر حضور تأثیرگذار در عرصه‌های سیاسی که نقش پدر معنوی جریان اصول‌گرا به همراه جامعه روحانیت مبارز تهران عمل می‌کند، اداره و مدیریت حوزه علمی قم که بزرگترین حوزه درسی جهان تشیع به حساب می‌آید را نیز بر عهده دارد. با توجه به این جایگاه رفیع جامعه مدرسین در دوره حاضر و شرایط فعلی انقلاب اسلامی، نقش و جایگاه این تشکل در توسعه انقلاب اسلامی از کشور و دولت اسلامی به تمدن اسلامی، نقش و جایگاهی تأثیرگذار خواهد بود. در ادامه با تحلیل شرایط فعلی انقلاب اسلامی به مهمترین کارویژه‌های جامعه مدرسین در این دوره می‌پردازیم.



۵) نقش جامعه مدرسین در شرایط فعلی انقلاب اسلامی (دوره توسعه انقلاب اسلامی)

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله)، یکی از مهمترین کارویژه‌های حوزه و روحانیت و در رأس آنها جامعه مدرسین به عنوان نهاد بالادستی و سازمان مدیریتی حوزه‌های علمیه، «پشتیبانی از نظام اسلامی» است. با تبیین و تفسیر دقیق مفهوم و معنای پشتیبانی حوزه و روحانیت از نظام اسلامی، به مهمترین کارویژه حوزه و روحانیت در قبال نظام اسلامی پی خواهیم برد. مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم پشتیبانی حوزه از نظام اسلامی می‌فرماید: «منظور ما از پشتیبانی، نه پشتیبانی‌ای که در گفتگو و سخنرانی از مسئولان و نظام تمجید و تعریف شود ... بلکه پشتیبانی به معنای حقیقی کلمه؛ یعنی حوزه علمیه خوراک فکری این نظام را بدهد؛ آن را توجیه دینی بکند، تربیت و انسان‌سازی لازم برای اداره این نظام با عظمت بکند» (مقام معظم رهبری، ۱۹۷۷/۲۹). در فرازی دیگر و با وضوح بیشتری در تبیین مفهوم پشتیبانی حوزه از نظام اسلامی می‌فرماید: «به آن خدمت می‌دهد، آن را نصیحت و راهنمایی می‌کند و مقررات اسلامی را به آن می‌شناساند. امروز دستگاه قضائی در زمینه فقهی، نیازمند حوزه‌های علمیه است و دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری، بیشتر احتیاج دارند» (همو، ۷۴/۴/۱۶).

با توجه به تعریف و تبیین مفهوم پشتیبانی حوزه از نظام اسلامی، یکی از مهمترین کارویژه‌های موقعیت‌مند حوزه و روحانیت در قبال نظام اسلامی، «تأمین و تغذیه نرم‌افزاری، نظری و علمی نظام اسلامی» است. این مهم، موضوعی است که بارها توسط مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است: «نظام اسلامی به لحاظ نظری و علمی، محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه است و به تلاش‌های آنها مستظهر و پشتگرم است. به علت ذات و ماهیت دینی جمهوری اسلامی، نظریه پردازی در همه عرصه‌ها از جمله سیاست، اقتصاد، مدیریت، مسائل تربیتی و دیگر مسائل مطرح در اداره کشور، بر عهده علمای دین، یعنی کسانی است که اسلام را می‌شناسند و متخصص این امر هستند... خلاء نظریه‌پردازی دینی در عرصه‌های مختلف اداره کشور و جامعه، موجب نفوذ و جایگزینی نظریه‌های غربی و غیردینی است، لذا تأکید مکرر اینجانب بر ضرورت توجه به علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌ها، ناشی از همین واقعیت است ... علوم انسانی رایج، متکی بر جهان بینی دیگری غیر از جهان بینی الهی است و مدیران آینده کشور را بر اساس اهداف جهان‌بینی غربی و مادی تربیت می‌کند که لازم است حوزه‌های علمیه و علمای دین برای جلوگیری از این انحراف، نظریه‌های اسلامی را در زمینه‌های مختلف مشخص و برای برنامه‌ریزی در اختیار مسئولان بگذارند... هدف دشمنان نظام از تزریق مستمر شبهات گوناگون دینی، سیاسی و

اعتقادی به جامعه، مخدوش کردن مبانی نظام اسلامی است. لذا اقدام علما و فضایی حوزه ها در برطرف کردن این شبهات غبارانگیز از ذهن جامعه، کمک به نظام اسلامی است و نظام در واقع از این زاویه نیز به حوزه ها، متکی است... روحانیت و حوزه ها بخصوص حوزه علمیه قم، «مادر و به وجود آورنده» نظام است... یک مادر، هرگز نمی تواند نسبت به فرزند خود غافل و بی تفاوت باشد و یا در هنگام لزوم از او دفاع نکند» (همو، ۱۹۷/۲۷).

۵.۱. تولید فقه حکومتی؛ مهمترین کارویژه جامعه مدرسین در دوره توسعه انقلاب اسلامی

یکی از مهمترین مصادیق پشتیبانی نرم‌افزاری و نظری نظام اسلامی از سوی حوزه و روحانیت در دوره توسعه انقلاب اسلامی تولید فقه حکومتی است. توضیح اینکه: غالباً هر انقلابی در روند رو به رشد خود، طی سه مرحله به اهداف خود نائل می‌آید: ایجاد، استقرار و توسعه. انقلاب اسلامی نیز مستثنای از این قاعده نیست. انقلاب اسلامی دو مرحله از مراحل سه‌گانه را با موفقیت پشت سر نهاده و هم‌اکنون در مرحله سوم به سر می‌برد. مرحله اول، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازی تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۴۲ شروع و در سال ۵۷ به سرانجام رسید. مرحله دوم بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. هم‌اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله سوم نهاده و بر اساس یک برنامه بلند مدت در صدد توسعه و ارتقای انقلاب اسلامی از «دولت و کشور اسلامی» به «تمدن اسلامی» می‌باشد. بدیهی است هر کدام از مراحل پیش‌گفته نیازمند نرم‌افزاری است که بدون استفاده از آن، هیچ‌گونه موفقیتی متصور نیست. مقصود از نرم‌افزار نیز، برنامه برای عمل است. این نرم‌افزار برای انقلاب اسلامی، «فقه» متولی تولید آن حوزه و روحانیت و مجری آن فقیه جامع‌الشرایط است. انقلاب اسلامی بر مبنای فقه اسلامی و با رهبری فقیه جامع‌الشرایط، ایجاد، مستقر و هم‌اکنون در مرحله توسعه به سر می‌برد. نکته دیگر تفاوت ماهوی مراحل سه‌گانه پیش‌گفته است. به بیان دیگر هر کدام از مراحل ایجاد، استقرار و توسعه انقلاب، شرایط و لوازم خاصی را نیازمند است. مرحله ایجاد با نرم‌افزاری بسیط نیز امکان دارد. مرحله استقرار اما، نیازمند نرم‌افزاری به مراتب تخصصی‌تر و مرحله توسعه نیازمند نرم‌افزار نهایی و ایده‌آل است تا بتواند انقلاب را به خارج از مرزهای جغرافیایی پیش برده و در سطح منطقه‌ای و جهانی به تدبیر بشریت بپردازد. در هر کدام از این مراحل حوزه و روحانیت که متولی استنباط و استخراج «فقه» می‌باشند، به

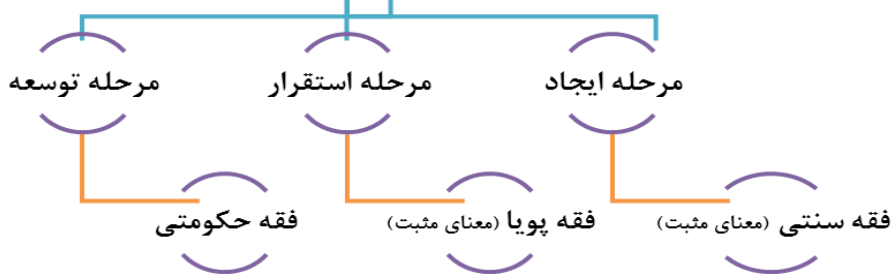


تناسب شرایط زمانی و مکانی به استنباط و ارائه نرم‌افزار مورد نیاز انقلاب اسلامی در هر یک از مراحل پیش‌گفته، اقدام کرده است. در دوره ایجاد با ارائه فقه سستی، و در دوره استقرار، با ارائه فقه پویا (به معنای مثبت آن) این نیاز نظام را تامین نموده است. اکنون و در مرحله توسعه انقلاب نیز نظام اسلامی نیازمند نرم‌افزاری مطابق با شرایط زمانی و مکانی است. دلیل این نیاز نیز عدم جوابگویی نرم‌افزارهای پیشین در دوره حاضر است. چه اینکه نوع نگاه دو نرم‌افزار پیشین به مسائل و موضوعات نگاه فردی است. این در حالی است که مرحله توسعه انقلاب از جمهوری اسلامی به تمدن اسلامی، نیازمند فقهی نظام‌ساز است و نگاه حاکم در فقه نظام‌ساز، نگاه کلان، اجتماعی و حکومتی است. تحلیل جامعه‌شناختی این تطورات فقه در مراحل مختلف، از سطح سستی به پویا و از پویا به حکومتی به شرح ذیل است: جامعه بشری از حیث ساختار و نوع اداره آن دوره‌های متعددی را گذرانده و می‌گذراند. اولین مرحله جامعه طبیعی نامیده می‌شود. در این دوره موثرترین عامل در حرکت فردی و اجتماعی جامعه عوامل طبیعی است؛ لذا شکل حرکت بشر و نوع زندگی و امرار معاش او نیز در این دوره بیشتر همگام با طبیعت است. حکومتها نیز در این دوره بیش از اینکه وظیفه‌ای در قبال شهروندان داشته باشند، مسئولیتهایی منحصر در قبال عوامل بیرونی دارند. در این جامعه افراد در درون حکومت به ویژه در زندگی خصوصی و شخصی که گستره بسیار وسیعی دارد، از وسعت عمل گسترده‌ای برخوردارند و همین امر باعث می‌شود که در جوامع اسلامی، رهبران دینی به ویژه فقهاء برای تحقق اهداف دین به مرز ضرورت ایجاد حکومت اسلامی نرسیده و با ایجاد رابطه ویژه با پیروان خود، امکان هدایت و رهبری آنان را حتی بدون ایجاد حکومت پی می‌گیرند. با گذشت زمان و گذر جامعه بشری از جامعه طبیعی به جامعه مدنی اما، حکومت اهمیت مضاعفی یافته و اینجاست که متدینان و متولیان دین، به ضرورت در دست داشتن حکومت و قدرت برای وصول به اهداف خود پی می‌برند و در تکاپوی به دست آوردن حکومت به جنب و جوش درمی‌آیند. بخصوص با گستره شدن وظایف حکومت در ارتباط با شهروندان، حکومت در دایره وسیعتری از موضوعات اعمال حاکمیت می‌کند و همین امر باعث می‌شود در جوامع اسلامی به تدریج دایره تعارض میان اعمال حاکمیت دولت و دایره اعمال حاکمیت دین، فقه و فقهاء بیشتر شود. نتیجه این تعارضات در ایران اسلامی، منجر به ایجاد انقلاب اسلامی شد. طبیعی است که هر کدام از دو وضعیت جامعه طبیعی و جامعه مدنی و به بیان دیگر، وضعیت قبل از انقلاب و وضعیت

بعد از انقلاب نرم افزار و فقه متناسب با خود را نیازمند است. بعد از انقلاب تا استقرار انقلاب اسلامی، جامعه انقلاب ایران، همچنان در جامعه مدنی به سر می برد. تنها تفاوت مرحله استقرار با مرحله ایجاد، مواجهه انقلاب با مسائل فزونی و جدی تر نسبت به قبل است و همین فزونی نیز نرم افزار و فقه متناسب با خود را می طلبد. پس از جامعه مدنی، نوبت به جامعه جهانی می رسد و در آینه جامعه جهانی، انقلاب اسلامی به مرحله توسعه وارد می شود. نهاد و نهان جامعه جهانی با جامعه مدنی متفاوت بوده و بالتبع نهاد و نهادن مرحله توسعه انقلاب اسلامی با مرحله استقرار آن تفاوت خواهد داشت. در این مرحله نرم افزار مربوط به مراحل گذشته فاقد کارآمدی و اثربخشی لازم در جامعه جهانی و مرحله توسعه انقلاب اسلامی خواهد بود (ن.ک. رجحان، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

اساسی ترین سوال در اینجا این است که با ورود انقلاب اسلامی به مرحله توسعه، آیا می توان بر نرم افزارهای پیشین اکتفا کرد و مثلاً با نرم افزار مرحله استقرار و یا ایجاد انقلاب، به تدبیر امور در مرحله توسعه پرداخت؟ بدیهی است که اگر مسئله بسیار مهم بقاء و توسعه انقلاب اسلامی در دستور کار باشد، امکان اکتفاء به نرم افزارهای پیشین وجود ندارد. اکتفاء به نرم افزارهای پیشین در واقع تجویز انحطاط از جامعه جهانی به جامعه مدنی و یا طبیعی و نیز ایستادن کردن حرکت پویای انقلاب اسلامی و به انحراف کشاندن آن می باشد. با این حساب در دروازه جامعه جهانی و در مرحله توسعه انقلاب اسلامی، ما نیازمند تولید فقه متناسب با این مرحله و بازسازی، نوسازی و آماده سازی نهادها و ارکان نظام اسلامی برای توسعه انقلاب اسلامی از دولت و کشور اسلامی به تمدن اسلامی هستیم. نرم افزار ایده آل توسعه انقلاب اسلامی، به ابتکار مقام معظم رهبری، «فقه حکومتی» عنوان یافته است.

انقلاب اسلامی



در این بین جامعه مدرسین، به عنوان نهاد بالادستی و سازمان مدیریتی حوزه‌های علمیه و نیز منادی حاکمیت مکتبی - فقهی بر جامعه (میرسلیم، همان: ۱۲)، در کنار دیگر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جهت توسعه انقلاب اسلامی، با توجه به جایگاه بالادستی و ناظر بر حوزه‌های علمیه، مؤظف است برای تولید نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی، یعنی «فقه حکومتی» برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی نموده و شرایط را برای تولید آن مهیا کند.

۵,۲. جایگاه و دیدگاه جامعه مدرسین در سیر تطورات فقه

با توجه به جایگاه جامعه مدرسین در انقلاب اسلامی، که رأس هرم رویکرد دین‌گرایی معتقد به حاکمیت مکتبی - فقهی (مدیریت فقهی) بر جامعه را به خود اختصاص داده است، طبیعی است که از ابتدای امر، دستیابی به فقه شامل و جامعه‌ساز در رأس برنامه‌های این تشکل قرار داشته باشد، چنانکه نگاهی اجمالی بر اساسنامه و نیز فعالیت‌های علمی جامعه این ادعا را اثبات می‌کند. بر اساس تحلیل پیشین در مورد فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی و نیز ابتدای انقلاب بر فقه و ضرورت تکامل فقه به موازات تکامل انقلاب اسلامی، امروز و در دوره توسعه انقلاب اسلامی، چنانکه برخی از اعضای جامعه مدرسین نیز به این مطلب اذعان دارند در شرایط فعلی انقلاب اسلامی، ما نیازمند فقه حکومتی بوده (آیت‌الله مقتدائی، مورخه ۸۷/۶/۱۸) و بر جامعه مدرسین فرض است که در راستای تولید فقه حکومتی تلاش و فعالیت کند.

نکنه قابل ذکر اینکه، شاید برخی با استناد به جانبداری سرسختانه جامعه مدرسین از فقه سستی در دوره‌های پیشین (فراتی، ۱۳۹۰: ۱۷۰)، امکان طرح، بحث و پیگیری پروژه «فقه حکومتی» از سوی جامعه مدرسین را متنفی بدانند، چه اینکه این تشکل مدافع فقه سستی بوده و دیگر جریان‌های فکری - فقهی (همچون پویا و حکومتی و ...) را برنمی‌تابد. برای پاسخ به این شبهه، نیازمند مقدمه چینی و معرفی جریان‌های فکری پیرامون فقه هستیم تا از خلال آن جایگاه و دیدگاه جامعه مدرسین در مورد این جریان‌ها و فلسفه مخالفتش با برخی از آنها را به تحلیل بنشینیم.

حقیقت آن است که در ابتدای انقلاب اسلامی، با توجه به ابتدای انقلاب بر فقه شیعی، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی پیرامون این موضوع به بحث و بررسی و اظهار نظر می‌پرداختند. در یک نگاه کلی این جریان‌ها در چند دسته جای می‌گیرند. گروهی رابطه بین فقه و زندگی اجتماعی را نفی کرده و معتقدند فقه مجموعه‌ای از باید و نبایدهای پراکنده در حوزه زندگی فردی است و هیچ ربط

و نسبتی با اجتماع و سرپرستی اجتماعی و تکامل معیشت ندارد (سروش، ۱۳۷۸: ۱۳۷). گروهی دیگر با پذیرش نسبت حداقلی فیما بین فقه و مقوله سرپرستی اجتماعی، ارتباطی کلی بین این هر دو در نظر می‌گیرند و معتقدند که فقه در کل با زندگی اجتماعی ارتباط دارد، اما نقش آن در برنامه‌ریزی اجتماعی و سرپرستی تکامل معیشت را نقشی بی‌اثر می‌دانند، یعنی معتقدند فقه فقط جنبه نظارتی دارد نه جنبه برنامه‌دهی و برنامه‌ریزی و مدیریت. بلکه انسان با مدد از توانایی‌هایی که خدا بدو عطا کرده، از جمله عقل، تجربه، حس و خردورزی و اندیشه‌هایش می‌تواند به سرپرستی نظام اجتماع پرداخته و معیشت خود را اداره بکند. فقط در این مسیر ممکن است در مواردی راهکار و یا راهبرد انتخابی برای معیشت با سعادت معنوی و اخروی تعارض داشته باشد که در این موارد فقه نقش نظارتی خود را ایفا کرده و آن را تصحیح می‌کند (شبستری، ۱۳۷۶: ۸۸). طیف سوم کسانی هستند که نقش فقه در اداره و تکامل زندگی اجتماعی، را نقشی فراگیر و مثبت می‌دانند و معتقدند رسالت فقه در حوزه معیشت، سرپرستی تکامل معیشت است و اصولاً فقه را قانون اساسی و شالوده اصلی حکومت دینی می‌دانند. جامعه مدرسین در جرگه طرفداران نظریه سوم قرار داشته و با مبانی



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

استدلالی به اثبات مدعای خود در قالب دفاع از «فقه سستی» پرداخته و در مقابل به نقد و طرد دیدگاه‌های دیگر در این زمینه پرداخته است. نقطه اصلی درگیری جامعه مدرسین به عنوان مدافع فقه سستی، با کسانی بود که به طرفداران «فقه پویا» موسوم بودند. فقه پویا اصطلاح نوپیدایی است که در سالهای پس از ایجاد انقلاب اسلامی از سوی برخی نواندیشان مسلمان در واکنش به ضرورت انطباق با مقتضیات و الزامات تجدد و برون رفت از بن‌بست‌های عملی فرا روی رویکردهای فقهی مطرح شد (فراتی، ۱۳۹۰: ۲۳۳). از آنچه از مباحثات و گفتگوهای طرفداران فقه سستی و فقه پویا حاصل می‌شود این است که دو معنای مثبت و منفی از هر کلام از فقه سستی و پویا وجود دارد و آنچه طرفداران این دو جریان را در مقابل یکدیگر قرار داده، معنای منفی این هر دو است. به بیان روشن‌تر، تعریفی از فقه سستی که طرفداران فقه پویا را بر علیه آن برانگیخته است، عبارت است از اینکه «فقیه در کار فقهت خویش در مقام استنباط احکام حوادث واقعه، بر ظاهر الفاظ احادیث و موضوعات عناصر خاصه استنباط و عناوین یاد شده در ادله اجتهادی جمود ورزد و ابعاد قضایا را نسنجد و ویژگی‌ها و شرایط موضوعات را در طول زمان مورد بررسی قرار ندهد و بر آنچه از گذشته بوده، بسنده نماید» (جناتی، ۱۳۸۹: ۳۴). این تر، آنتی تر، «فقه پویا» را به دنبال داشته و پیروان

فقه پویا، لفظ پویا را در برابر این معنا از فقه سستی به کار برده‌اند و سنت‌گرایی را به معنای جمود بر ظاهر الفاظ و موضوعات و عناوین در نصوص و باقی ماندن بر آنچه از گذشته بوده است، مورد انکار و اعتراض قرار داده‌اند. در مقابل تعریفی از فقه پویا که طرفداران فقه سستی (به معنای مثبت) را بر علیه فقه پویا برانگیخته است، عبارت است از «تشریح و بیان احکام بر اساس رأی و تفکر شخصی و بر پایه مصلحت‌اندیشی غیر مبتنی بر ملاک‌های معتبر شرعی و عقلی» (جناتی، همان: ۲۶). سردمداری این جریان را، جریان‌های چپ اول انقلاب عهده‌دار بودند (میرسلیم، همان: ۳۱۶). آنان در مقابل جریان راست که پایبند به فقه سستی (به معنای مثبت) بود، پرچم فقه پویا به معنای منفی آن را برافراشته بودند و معتقد بودند بر مبانی فقه سستی امکان اداره کشور و نیز وضع قانون وجود ندارد و باید پا را فراتر از آن نهاد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶۲). این گروه با به چالش کشیدن اندیشه سستی در فهم دین و فقه، و متهم کردن اسلامی فقاهتی به تحجر و تقلیدپروری، خواستار فرا رفتن از وضع موجود و برشکستن ساختارهای موجود بودند (میرسلیم، همان: ۳۲۹). نیز دین برآمده از نگاه سستی را، دین و فقهی عبوس، خشک و متحجر می‌نامیدند و اجرای آن در جامعه را موجب بدنام کردن دین و خشن جلوه دادن آن می‌دانستند و خواهان تغییر در روش و نگاه به دین و احکام الهی و نیز تغییر شیوه اجرای احکام الهی در جامعه بودند (سروش، ۱۳۷۶: ۷). بر اساس رای این گروه باید هویت و حقیقت احکام شریعت را در برابر تحول زمان و شرایط و مظاهر جدید خاضع ساخت، با این ادعا و بهانه که احکام الهی مطابق با زمان و شرایط و اوضاع و احوال و عرف و عادت مردم، تشریح شده است، و یا تحول آنها تحول می‌پذیرد. پیروان این جریان معتقدند که احکام دینی، دارای آسان‌گیری در همه ابعاد زندگی بشری بوده و کاملاً انعطاف‌پذیر است و با تحول زمان و مظاهر جدید، احکام نیز متغیر می‌شوند. گاهی نیز ادعای به سر آمدن وقت برخی از احکام الهی سخن به میان آورده و سخن از مدیریت علمی در برابر مدیریت فقهی به میان می‌آوردند. شاخصه بارز این جریان اعتقاد به تحول شریعت همگام و همزمان با تحول زمان و شرایط است (جناتی، همان: ۴۸). جامعه مدرسین در مقابل این جریان با تمام قوا به مقابله برخاست و در دفاع از فقه سستی سنگ تمام گذاشت. فقهی که جامعه مدرسین با عنوان فقه سستی از آن جانبداری می‌کرد بر خلاف فقه سستی به معنای منفی عبارت است از اینکه «فقه به لحاظ منابع شناخت و پایه‌های اصلی آن، که توسط وحی نازل و از طریق پیامبر و اوصیای او بیان گردیده

است، همواره باید ثابت و پایدار باشد و بر ما است که در حفظ آنها کوشا باشیم. همچنین باید اصل طریقه و شیوه اجتهادی-که عبارت است از ارجاع فروع نوین به اصول پایه، با موازین خاص آن دارد- حفظ شود و از تشریح احکام بر اساس مصلحت اندیشی و از راه منابع ظنی غیر معتبر مانند: قیاس و استحسان پرهیز شود، زیرا می‌توان از راه همان منابع و عناصر ثابت و ذخایر سستی اجتهاد با توجه به نقش زمان و مکان در مشخص کردن ویژگیهای درونی و بیرونی موضوعات و ملاکات احکام که در غیر مسائل عبادی قابل ادراکند، در برابر رخدادهای به وسیله اجتهاد پاسخگو بود. این جریان، نارساییها و کاستیها را ناشی از قصور، یا تقصیر مسئولان فقه اجتهادی می‌دانند معتقدند منابع فقه اجتهادی همواره غنی و پاسخگو بوده و هست. براساس مطالب فوق، مقصود از فقه سستی به معنای مثبت آن، این نیست که فقیهان امروز موضوعات احکام را به همان شکلی مورد ملاحظه قرار دهند که فقیهان گذشته انجام داده‌اند و همان احکام پیشین را مطرح کنند، حتی اگر چه ویژگیهای

درونی یا بیرونی آنها تغییر و تحوّل پیدا کرده باشد، بلکه مقصود از فقه سستی این است که فقیه باید از راه اجتهاد با روش اصولی بر اساس منابع معتبر شرعی، احکام شرعی موضوعات را بعد از بررسی ویژگیهای آنها که با تحوّل زمان و شرایط آن در تحوّل و تغییر است، استخراج و بیان کند (جناتی، همان: ۳۴). تعریفی این چنین از فقه سستی، با تعریف فقه پویا به معنای مثبت آن منافاتی ندارد. فقه پویا به معنای مثبت عبارت است از «به کارگیری اجتهاد در منابع معتبر شرعی برای استنباط حکم شرعی موضوعات، و لیکن بعد از بازنگری در آنها و بررسی شرایط زمان صدور آنها و نیز بررسی ابعاد و ویژگیهای مختلف موضوعات و سنجیدن ابعاد قضایا. وصف این فقه اجتهادی به پویا بدین روست که آن در طول و گستره مسائل مستحدثت و ویژگیهای آنها در هر عصر و محیطی به مقتضای واقعیتهای زمان و عینیت‌های خارج و مطابق با آنها از هر نوع که باشند، همگام بوده، احکام آنها را بیان می‌کند» (جناتی، همان: ۳۶).

بنابراین جانبداری جامعه مدرسین از فقه سستی به معنای مثبت آن، منافاتی با تطور و تکامل فقه از دوره سستی به دوره پویا به معنای مثبت آن نداشته با تکامل فقه پویا در دوره توسعه انقلاب اسلامی به فقه حکومتی هیچگونه منافاتی ندارد. به بیان دیگر جامعه مدرسین با جریان‌های انحرافی و التقاطی فقهی مخالفت است نه با تطور و تکامل فقه متناسب با شرایط و اوضاع زمان و مکان. بنابراین با توجه به اینکه انقلاب اسلامی امروز در مرحله توسعه به تمدن اسلامی و در دروازه



جامعه جهانی قرار گرفته است، نیازمند فقهی است که بتواند به تدبیر امور در مقیاس تمدنی و جهانی بپردازد. خوشبختانه این مسئله مهم از دیدگاه اعضای این جامعه مدرسین مخفی نمانده و در مقالات و بیانات متعدد و مختلفی به دفاع از اندیشه فقه حکومتی پرداخته و به تشریح مبادی و مبانی آن اقدام کرده‌اند. در بخش‌های پسین، به برخی از این دیدگاهها اشارتی خواهد رفت.

۶) فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری و اعضای جامعه مدرسین

پس از تبیین ضرورت پرداختن جامعه مدرسین به پروژه فقه حکومتی، اینک نوبت به تعریف فقه حکومتی و سپس بررسی راهبردها و راهکارهای دستیابی به آن می‌رسد. لازم به ذکر است محوریت مباحث آتی، آراء و اندیشه‌های مقام معظم رهبری و نیز آراء برخی از اعضای جامعه مدرسین خواهد بود. ضرورت بررسی مسئله از دیدگاه مقام معظم رهبری در این نکته نهفته است که موضوع فقه حکومتی با معنای وسیع و گسترده آن، برای اولین بار توسط ایشان مطرح و پیگیری شده است. لذا لازم است معنا و مفهوم و نیز راهبردها و راهکارهای دستیابی به فقه حکومتی از دیدگاه خود ایشان مورد کاوش قرار گیرد. فلسفه پرداختن به دیدگاه‌های برخی از اعضای جامعه مدرسین در مورد فقه حکومتی نیز در دو نکته نهفته است: یک) نزدیکتر شدن به اصل گفتمان فقه حکومتی در قالب ادبیات اعضای جامعه مدرسین؛ دو) اثبات امکان و ضرورت پرداختن به فقه حکومتی از دیدگاه جامعه مدرسین.

۶.۱. تعریف فقه حکومتی

پیرامون کارآیی و کارآمدی فقه دو صورت متصور است. صورت اول این است که کارآیی فقه را پاسخگوئی به مسائلی بدانیم که «فرد مکلف» در روابط گوناگون خویش دارد. در این صورت رسالتی محدود و باری سبک بر عهده فقه بوده و قلمرویی کوتاه‌دامن برای آن در نظر گرفته شده است. این نگاه، نگاه «فردی» به فقه است. صورت دوم از کارآیی فقه، علاوه بر رفع نیازهای فرد، پاسخگوئی به «نیازهای جامعه و حکومت» را نیز در نظر می‌گیرد. در این نگاه علاوه بر گسترده شدن مسائل، موضوعات و قلمرو فقه، نوع نگاه به مسائل نیز از نگاه فردی به نگاه کلان و حکومتی تبدیل می‌شود. این نگاه، نگاه «حکومتی» به فقه است. در تعریف متداولی که وجود دارد فقه حکومتی عبارت است از: نگرشی کل نگر و ناظر بر تمام ابواب فقه است. در این نگاه، استنباط‌های فقهی باید براساس فقه اداره نظام اجتماعی انجام شود و تمامی ابواب فقه ناظر

به امور اجتماع و اداره کشور باشد. از این رو گستره‌ای که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد، تمامی ابواب و مسائل فقه خواهد بود؛ زیرا اجتماع و نظام اسلامی، شئون و زوایای مختلفی دارد؛ مباحثی در حوزه اقتصاد، فرهنگ، حقوق، سیاست، امور بین‌الملل و مسائلی از قبیل مسائل نظامی، انتظامی، خانواده، احوالات شخصیه و تمامی مسائل مربوط به زندگی بشری در مقوله مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی که فقیه می‌بایست همه آن مسائل را بنابر رفع نیازهای اجتماع و نظام اسلامی مورد بررسی قرار دهد (مشکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مقام معظم رهبری در تبیین تعریف و ضرورت پرداختن به فقه حکومتی می‌فرماید: [امروز] روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تاثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است. (همو،

۷۱/۸/۲۴). آیت‌الله رجبی از اعضای جامعه مدرسین در همین راستا، در تعریف فقه حکومتی و نقد تعریف‌های انحرافی از این موضوع می‌گوید: «ما در مباحث فقهی نباید فکر کنیم که فقه حکومتی

این است که ما فقه رایج مان را داریم برخی مسائل را هم اضافه می‌کنیم و این فقه حکومتی می‌شود. بعضی‌ها شاید تصورشان همین باشد که وقتی می‌گوییم فقه حکومتی یعنی یک سلسله مسائل جدیدی را هم وارد فقه کنیم. اما همان ساماندهی و رویکردی که در فقه بود سر جای خودش محفوظ بماند. این معنای فقه حکومتی نیست. فقه حکومتی سراسر فقه را در بر می‌گیرد اگر مسائل جدیدی هم افزوده می‌شود خوب بله ما همواره در طول زمان مسائل مستحدثه را داشتیم و این مسائل جدید افزوده می‌شده در حوزه فقه فردی و غیر حکومتی هم ما مسائل جدید داریم این موجب نمی‌شود که حالا فقه، فقه دیگری شود. می‌تواند همان فقه فردی و ناظر به فرد باشد ولی مسائل جدیدی به آن افزوده شود. اما فقه حکومتی یک رویکرد جدید هست یعنی ما به فقه دو نوع رویکرد می‌توانیم داشته باشیم یک موقع فقه را به عنوان یک رشته علمی که می‌خواهد برای اداره فرد بماهو فرد و برنامه ریزی برای فرد بما هو فرد کند و تکلیف فرد را به عنوان یک فرد مسلمان می‌خواهد تعیین کند؛ این می‌شود فقه غیرحکومتی. اما یک موقع می‌گوییم فقه عهده دار جامعه اسلامی است فقهی است که می‌خواهد جامعه و نظام را اداره کند که یک بخشی از آن هم حکومت را اداره می‌کند و کل فقه با این نگاه دیده می‌شود. به اصطلاح متعارف از طهارت تا



دیات فقه همه اش نگاه و رویکرد حکومتی می شود. من تک تک حتی آن احکام شخصیه و احوال شخصیه را هم می توانیم یک نگاه فردی و یا یک نگاه حکومتی به آن بکنیم. اینکه فرد را در مجموعه یک نظام در مجموعه یک حکومت بهش نگاه کنیم غیر از این است که فرد را بدن اینکه لحاظ کنیم در یک حکومت اسلامی دارد زندگی می کند بهش نگاه کنیم. خب آن موقع در شکل اول یک سلسله احکام برای او مطرح می شود و در شکل دوم هم یک سلسله احکام دیگری. و همان احکام فردی هم که برای فرد مطرح می شده است متفاوت می شود. شیوه استنباط حکم فقهی آن هم ولو همان شیوه سستی است ولی در آن تحول ایجاد می شود. بنابراین فقه حکومتی یک رویکردی است نسبت به کل فقه اسلامی و فقه شیعی از آغاز تا پایانش از صفر تا صد آن» (سایت فرهنگستان علوم اسلامی: ۹۱/۶/۲۵). آیت الله خاتمی دیگر عضو این تشکل در نقد تعریفی ناصحیح از فقه حکومتی می گوید: «بعضی ها وقتی فقه حکومتی را مطرح می کنند، به گونهای مطرح میکنند که فقیه ما به چیزی برسد که نظام تصویب کرده و در حال اجراست؛ چه بسا فقیه به نتیجه ای برسد که بگوید این مسئله ای که در حال اجراست خلاف شرع است، بیاد تحمل کرد و مقام معظم رهبری از این دیدگاه استقبال میکند» (نشریه رایحه، ۹۸: ۵).

۶.۲. راهبردها و راهکاری دستیابی به فقه حکومتی

۶.۲.۱. تبیین وحدت دیانت، فقاہت و سیاست: فقه شیعه به علل مختلفی در دوران غیبت با سیاست و حکومت میانه و رابطه ای نداشته است و طبیعتاً در حیطه استنباط خود نیز از مولفه های سیاست بهره نمی جست. به دنبال آن نیز تفکر جدایی دین و فقاہت از سیاست و حکومت توسط ایادی استعمار دامن زده می شد. لیکن با ورود به عرصه حاکمیت و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این خلاء در فقه شیعه پر شد و در این حوزه نیز فقه شیعه، رو به تکامل و تحول داشته و به سوی فقه حکومتی در حرکت است، گرچه رگه هایی از تفکر سکولار در جریان است. لذا اولین گام ریشه کن سازی این جرسومه است. مقام معظم رهبری می فرماید: «فکر وحدت دین و سیاست را هم در تفقه و هم در عمل دنبال کنید. آقایان بدانند فکر جدایی دین از سیاست به عنوان یک آفت، بکلی ریشه کن نشده و هنوز در حوزه های ما متأسفانه هست و کسانی هستند که خیال می کنند حوزه باید به کار خودش مشغول باشد و اهل سیاست و اداره کشور هم مشغول کار خودشان باشند. حداکثر این که با هم مخالفتی نداشته باشد. اما این که دین در خدمت اداره زندگی مردم باشد و سیاست متغذی از دین

باشد و از دین تغذیه نکند، هنوز در بعضی از اذهان درست جا نیفتاده است. ما این فکر را باید در حوزه ریشه‌دار کنیم» (مقام معظم رهبری، ۷۰/۶/۳۱).

در عین حال حرکت به سوی فقه حکومتی نیز در جریان بوده و به مرور تفکر جدایی فقهت و حکومت را به کنار می‌زند. در واقع بینش سیاسی و وجهه سیاسی فقه شاکله اصلی فقهت را تشکیل می‌دهد. فقهت امروز با بینش سیاسی منافاتی ندارد، بلکه پیشن سیاسی مکمل و کیفیت بخش آن است (همو، ۶۲/۱/۹). دیگر اینکه همراهی فقهت با سیاست در عرصه اجتهاد، جز با تلوین دوباره فقه بر مبنای ایده همسازی فقهت با سیاست، راه به جایی نبرده و گره‌ای از کار نخواهد گشود. ما بایستی این فکر را (جدایی دین از سیاست) در حوزه ریشه کن کنیم. به این شکل که هم فقهت را اینطور قرار بدهیم و هم در عمل اینگونه باشیم؛ یعنی چه؟ [یعنی] استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد (همو، ۷۰/۶/۳۱). در همین راستا و در تکمیل مباحث فقه حکومتی، می‌بایست به تالیف کتاب‌های



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

مستقل در ابواب گوناگون فقه اجتماعی و سیاسی اقدام کرده و در حوزه سیاست داخلی و خارجی به پرسش‌ها و معضلات پاسخ گفت و احکام متناسب را استنباط نمود. در ارتباط با کشورهای دیگر در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی احتیاج داریم به کتاب سیاست که در فقه ما وجود ندارد. این کتاب باید در فقه به وجود بیاید (همو، ۶۶/۹/۱۰). جایگاه جامعه مدرسین در زمینه رفع توهم بیگانگی دین از سیاست جایگاه رفیعی است و در واقع مهمترین کار جامعه مدرسین در انقلاب اسلامی، علاوه بر وارد کردن سیاست به متن حوزه‌های علمیه، پایان دادن به انفکاک سیاست از دیانت، حوزه‌های علمیه و روحانیت بود.

۶،۲،۲ برنامه‌ریزی بلندمدت: دستیابی به حکومتی و همگام سازی فقهت با نیازهای جاری عرصه حکومت و جامعه اسلامی و جهانی، مسأله‌ی نیست که در کوتاه مدت قابل دسترسی باشد. نباید امید کاذب پدید آورد که با یک برنامه کوتاه مدت، فقه و فقهت بتواند مجموعه نیازهای جاری جامعه و نظام را برآورد و به پاسخ‌های عمیق، متقن و کارآمد در معضلات اجتماعی و حکومتی دست یابد. باید کاری کنیم که وقتی رساله عملیه را باز کرد، بداند چرا مالیات می‌گیرند و چگونه باید بگیرند و اگر نگیرند، چه می‌شود و بقیه چیزهای دیگر. اینها باید از اسلام استنباط بشود. این کار را شما باید بکنید. من نمی‌گویم که اینها را سه چهار ساله تلوین کنید؛ پنجاه سال وقت دارید. پنجاه سال، زمان زیادی است؛ اما این کار هم،

کار بسیار عظیمی است. امروز ما حکومت و کشور را اداره می‌کنیم؛ اما این اداره امروز ما با ناشی‌گری و بی‌اطلاعی و عدم تجربه و نداشتن اسلام در بسیاری موارد همراه است. همین مقدار کم است که غوغا به پا کرده و قدرتها را از ما می‌ترساند. پس اگر بخواهیم به طور کامل و صحیح از آن استفاده کنیم، ببینید چه می‌شد... حالا شما قدم اول را بردارید، برای آن پنجاه سال بعد کار کنید، کار دقیق و عمیق» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۶/۲۱). یکی از اعضای جامعه مدرسین در این زمینه معتقد است: «برای اجرایی شدن این مهم باید مباحثی در شورای عالی حوزه‌های علمیه مطرح شود... باید از مراجع و مقام معظم رهبری و سایر اساتید و صاحب‌نظران نظرخواهی شود و در همان قالب‌هایی که این بزرگواران مطرح می‌کنند تصمیماتی اتخاذ شود... این تصمیمات باید در تمامی سطوح فعالیت حوزه‌ها تسری پیدا کند... این تحولات یک شبه محقق نمی‌شود و برای اینکه در ساحت فقه تغییری جدی حاصل شود باید دیدگاه و رویکرد خاصی در این ساحت ایجاد شود و این امر هم زمان‌بر خواهد بود. برای تغییر رویکرد هم باید نیازهای جامعه به درستی به حوزه‌های علمیه منتقل شود، نسل جدیدی در این زمینه تربیت شود، اساتید این مطالب را در مواد درسی خود قرار دهند و... که این مباحث هم در مدت کوتاه محقق نمی‌شود و باید زمان بگذرد تا این بحث‌ها نهادینه شود» (علیدوست، رایحه، ۹۸، ۵۹).

۶،۲،۳ تحول در نگرش: فقاهت حوزه مبتنی بر مبانی ثابت و محکمی است که تمامی فروع از آن استنباط می‌شود. البته از دیرباز فقها با توجه به شرایط مکانی و زمانی با نگرش ویژه و اسلوب کاملاً شرعی و عقلی به این مبانی رجوع می‌کرده‌اند. با پیچیده شدن مسائل امروزی چگونگی مراجعه و نوع نگرش به مبانی و روشهای استنباط زبده‌گی ویژه‌ای است که فقها امروز از آن برخوردارند و لازم است که این نوع نگرش تقویت شود. از همین روی است که «فقیه امروز علاوه بر شرایطی که هزار سال پیش باید یک فقیه می‌داشت، لازم است شرط هوشمندی و هوشیاری و آگاهی از جامعه را داشته باشد و الا اصول و ارکان اجتهاد و تفقه امروز با هزار سال پیش فرقی نکرده، اصول همان اصول است، یعنی یک نوع نگاه به کتاب و سنت لازم است برای فقیه تا بتواند احکام را استنباط کند و اگر نداشته باشد نمی‌تواند استنباط کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۱۰/۴). تغییر در رویکرد امری است که برخی از اعضای جامعه مدرسین به آن اذعان دارند: «برای اینکه در ساحت فقه تغییری جدی حاصل شود، باید دیدگاه و رویکرد خاصی در این ساحت ایجاد شود... برای تغییر رویکرد هم باید نیازهای جامعه به درستی به حوزه‌های علمیه منتقل

شود، نسل جدیدی در این زمینه تربیت شود، اساتید این مطالب را در مواد درسی خود قرار دهند» (علیدوست، رایحه، ۹۸: ۵۹). دیگری در این زمینه می‌گوید: «فقه حکومتی یک رویکرد جدید هست یعنی ما به فقه دو نوع رویکرد می‌توانیم داشته باشیم یک موقع فقه را به عنوان یک رشته علمی که می‌خواهد برای اداره فرد بما هو فرد و برنامه ریزی برای فرد بما هو فرد کند و تکلیف فرد را به عنوان یک فرد مسلمان می‌خواهد تعیین کند؛ این می‌شود فقه غیرحکومتی. اما یک موقع می‌گوییم فقه عهده دار جامعه اسلامی است فقهی است که می‌خواهد جامعه و نظام را اداره کند که یک بخشی از آن هم حکومت را اداره می‌کند و کل فقه با این نگاه دیده می‌شود» (رجبی، همان). این امر نیز مستلزم نوعی بازنگری در تمامی ابواب فقهی از طهارت تا دیات است: ما به بازنگری در تمام ابواب و کتب فقهیه احتیاج داریم. شما باید یک بار دیگر از طهارت تا دیات نگاه کنید و فقهی استنباط کنید برای حکومت کردن. ما می‌خواهیم الان حکومت کنیم بر مبنای فقه اسلام (مقام معظم رهبری، ۶۴/۶/۱۱). تحول در کتب فقهی از طهارت تا دیات به عنوان لازمه تحول در نگرش نیز مورد اذعان برخی از اعضای جامعه مدرسین می‌باشد: «یک موقع می‌گوییم فقه عهده دار جامعه اسلامی است فقهی است که می‌خواهد جامعه و نظام را اداره کند که یک بخشی از آن هم حکومت را اداره می‌کند و کل فقه با این نگاه دیده می‌شود. به اصطلاح متعارف از طهارت تا دیات فقه همه اش نگاه و رویکرد حکومتی می‌شود» (رجبی، همان).



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

۶۲،۴ راه‌اندازی کرسی‌های آزاد اندیشی فقهی: مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:
«ایجاد محیط‌های باز برای پرورش افکار ... باید این کار در حوزه انجام شود و از چیزهایی است که حوزه را زنده خواهد کرد. ... مثلاً برای فقه مجمع بررسی مباحث تازه فقهی مرکب از هفت، هشت، ده نفر طلبه فاضل ایجاد شود و اینها مرکزی داشته باشند و جلساتی تشکیل بدهند و سخنرانی‌های فقهی بگذارند، تا هر کس خطابه و مطلب و فکر جدیدی در فلان مسئله فقهی دارد - از طهارت تا دیات، کوچک و بزرگ - به آنجا بیاورد و آنها نگاه کنند؛ اگر دیدند ارکانش درست است (نه اینکه خود حرفش درست باشد) و متکی به بحث و استدلال طلبگی است و عالمانه طرح شده است، آن را در فهرست بنویسند و در نوبت بگذارند تا اینکه آن فرد روزی بیاید و در حضور جماعتی که اعلان می‌شود خواهند آمد، سخنرانی کند و آن مسئله را آزادانه تشریح نماید و عده‌ای هم در آنجا اشکال کنند. ممکن است کسانی که در آن جلسه هستند از خود آن شخص فاضلتر باشند، هیچ

اشکالی ندارد. یک مسئله که بحث می‌شود، این فکر پراکنده می‌گردد» (همو، ۷۴/۹/۱۴). تعداد کثیری از اعضای جامعه مدرسین نیز به این مهم اشاره کرده‌اند. یکی از اعضای جامعه مدرسین معتقد است: «با توجه به اینکه آرای قوی و نظریات پخته و سنجیده نتیجه تضارب آراء در جامعه است و ارائه نظریات مختلف نتایج را کامل می‌کند، بنابراین تشکیل جلسات، همایشها و کرسی‌های نظریه پردازی می‌تواند تاثیر قابل توجهی در ارائه تولیدات داشته باشد ... بحثی که در حال حاضر مطرح است این است که اهتمام حوزه‌های علمیه به مسائل حکومتی بیشتر شود و در مورد مسائل حکومتی هم بحث‌هایی راه اندازی شود و آرای مختلف جمع‌آوری و مورد بحث قرار گیرد» (عبداللهی، نشریه رایحه، ۹۸: ۸). دیگری درباره راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی فقه در حوزه‌ها و مطالبه رهبری مبنی بر توجه بیشتر به فقه حکومتی می‌گوید: «این ایده بسیار مهمی است که مقام معظم رهبری به آن تاکید کردند و انتظاری هم که از حوزه‌های علمیه می‌رود این است که در بخش‌های فقه مخصوصاً فقه سیاسی همواره آرای نو را به جامعه و نظام عرضه کنند... کرسی‌های آزاد اندیشی فقه باید در سطح نخبگانی و سطوح عالی حوزه مطرح شوند» (اعرافی، نشریه رایحه، ۹۸: ۱۰). یکی دیگر از اعضای جامعه مدرسین می‌گوید: «نظام آموزشی حوزه دروس خارج مبتنی بر بحث آزاد فقهی است... با این وجود راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی فقه در میان بزرگان و اندیشوران حوزه اقدام بایسته و موثری است که در واقع تحقیق و پژوهش در مورد مسائل نوپدید فقهی را غنی می‌کند... این مهم باید با برنامه‌ریزی مدونی صورت گیرد تا حوزه به مسائلی که مورد نیاز حکومت است بپردازد» (کعبی، رایحه، ۹۸: ۵۵).

۶،۲۵ تشکیل دروس خارج فقه با موضوع فقه حکومتی: مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «در قم باید درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نوبه‌نو را که هی برای ما دارد پیش می‌آید از لحاظ فقهی مشخص کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷). اعضای جامعه مدرسین نیز در این مهم با مقام معظم رهبری همداستان هستند و به ضرورت تشکیل درسهای خارج فقه حکومتی تاکید دارند. یکی از اعضای این جامعه معتقد است: «اساتیدی که در حوزه‌های علمیه درس خارج می‌دهند، در کنار مباحث سنتی که در مورد احکام فردی مکلف است، به مسائل اجتماعی هم بپردازند و با حفظ

مبانی سستیحوزه به تدریج مباحث جدید حکومتی را هم جزو دروس خود قرار دهند» (عبداللهی، نشریه رایحه، ۹۸: ۹). دیگری می‌گوید: «پیشنهاد مشخص بنده برای ورود حوزه‌های علمیه به این عرصه این است که دوستان طلبه از اساتید برجسته طلب کنند... طلاب باید به سراغ مراجع بروند و از آنها طلب کنند که دروس خارج در موضوعات فقه حکومتی برای آنها برگزار کنند... یکی دو درس در این زمینه شکل گرفته، ولی ما انتظار داریم به خاطر ارج نهادن به فقه شیعه و اینکه به دنیا اعلام کنیم که فقه شیعه توانایی پاسخگویی را دارد، در این عرصه بزرگان حوزه ورود پیدا کنند» (خاتمی، نشریه رایحه، ۹۸: ۶). دیگری معتقد است: «حوزه‌های علمیه باید بخشی از فعالیت فقهی خودشان را به بحث‌های فقه حکومتی اختصاص داده و در این زمینه باید کلاس‌هایی با این عنوان یا عنوان مشابه تشکیل شود» (علیدوست، رایحه، ۹۸: ۵۹). یکی دیگر از اعضای این جامعه می‌گوید: «تاکنون درس‌های محدودی در باره مسائل حکومتی در حوزه‌های علمیه وجود داشته، اما باید

تدریس این درس‌ها به طور جدی در دستور کار حوزه‌های علمیه قرار بگیرد» (کعبی، رایحه، ۹۸: ۵۵) دیگری می‌گوید: «از بزرگان حوزه و اساتید برجسته درس خارج که دغدغه جدی نسبت به اجرای احکام الهی در جامعه اسلامی دارند، انتظار می‌رود، مانند مرحوم آیت‌الله العظمی تبریزی و سایر بزرگان حوزه حداقل دو روز در هفته به این مباحث بپردازند» (رجبی، سایت فرهنگستان علوم اسلامی). یکی دیگر از اعضای این جامعه می‌گوید: «در زمینه فرمایشات مهم رهبری نکاتی حائز اهمیت است که باید مورد توجه واقع شود؛ نکته اول این است که ایشان به طور علنی هم گله مندی و هم اینکه مطالبه بزرگ خود را به ویژه از حوزه علمیه قم اعلام کردند تا درس‌های فقه خارج استدلالی و عمیق برای پاسخگویی به نیازمندیهای نظام مقدس اسلامی در مسیر نظام سازی و براساس فقه شیعه و فقه اهل بیت باشد» (کعبی، همان).

۶،۲۶ راه‌اندازی نشریات و مجلات فقهی: مقام معظم رهبری می‌فرمایند: ما یک مجله فقهی لازم داریم. ... مگر فایده این مجله برای پیشبرد فقه اسلام، کمتر از فایده آن درس است؟ (همو، ۷۰/۱۱/۳۰). یکی از اعضای جامعه مدرسین برای ورود حوزه‌های علمیه به عرصه فقه حکومتی می‌گوید: «مجلات پژوهشی فقهی که در این زمینه هستند می‌توانند کارایی شایسته‌ای داشته باشند» (خاتمی، نشریه رایحه، ۹۸: ۶) دیگری معتقد است: «باید بخشی از پایان‌نامه‌های حوزه‌های علمیه به



این سو راهنمایی شود و نیز باید بعضی از مجالات وزین علمی در همین راستا فعالیت کنند؛ بنابراین در چندین ساحت متفاوت باید فعالیت‌هایی صورت گیرد» (علیدوست، رایحه، ۹۸: ۵۹).

۶،۲،۷ نقش رسانه‌ها در تولید فقه حکومتی: یکی از اعضای جامعه با اشاره به نقش رسانه‌ها در زمینه آماده سازی فضای جامعه برای طرح این مباحث می‌گوید: «بخشی از نشریات تخصصی و صدا و سیما جمهوری اسلامی هم باید به این مهم بپردازند... رسانه‌ها از جمله صدا و سیما و خبرگزاری‌ها و مراکز تبلیغی حوزه‌های علمیه به عنوان پل‌های ارتباطی حوزه و مردم می‌توانند نیازهای سطح جامعه را به حوزه منتقل کنند تا نسلی که می‌خواهند تحصیل کنند تربیت شوند، در حال حاضر ما در حوزه‌های علمیه نسلی را داریم که می‌توانند به تدریس موارد فقهی بپردازند اما نسلی را که در این زمینه تحصیل کنند نداریم» (علیدوست، رایحه، ۹۸: ۵۹). دیگری معتقد است: رسانه‌ها باید مصاحبه‌های زیادی در این زمینه انجام دهند و سبب شوند همایش‌های پر سر و صدا با هزینه‌های کم برگزار شود» (ممدوحی، رایحه، ۹۸: ۱۴).

۶،۲،۸ پیگیری موضوع فقه حکومتی در دو سطح: بدیهی است که فعالیت تخصص در زمینه فقه حکومتی، نیازمند تسلط بر مبانی و زیردستی در عرصه فقه، اصول و دیگر علوم اسلامی است: «اساتید بزرگی که در حد مرجعیت هستند و کل مبانی را در دست دارند، می‌توانند از عهده این مباحث به خوبی برآیند و گرنه استادی که مبانی در دست او نیست، یا بخشی از مبانی را در دست دارد و یا طلبه ای که به تازگی وارد مباحث خارج فقه و اصول شده است، نمی‌تواند در این عرصه میدان‌داری کند، می‌فهمد، اما میدان‌داری کردن و نقد کردن نیازمند طی دوره‌های بالاتر است» (خاتمی، رایحه، ۹۸: ۶). دیگری می‌گوید: «مباحث حکومتی باید توسط کسانی مطرح شود که در این مسائل تخصص دارند و با مبانی این مسائل آشنا هستند و مخاطبانی برای طرح این مسائل انتخاب شوند که خودشان به این مسائل گرایش داشته و دانش کافی را برای فهم مسائل داشته باشند» (عبداللهی، همان). اما این مهم باعث آن نخواهد شد که سطوح میانی و پائینی حوزه نتوانند و یا نشاید که در این عرصه وردو پیدا کنند. بلکه با دو سطحی کردن موضوع می‌توان تمام سطوح و اقشار حوزه‌های علمیه را با موضوع فقه حکومتی درگیر کرد. برخی از اعضای جامعه مدرسین در راستای درگیر کردن اقشار مختلف حوزه‌های علمیه با موضوع فقه حکومتی روش‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند. یکی از اعضای این جامعه معتقد است: «برای این کار از دو روش می‌توان بهره برد. در

روش اول اساتید سطح خارج ما دانش‌پژوهان و طلابی را که اهل بحث و درس هستند و به این موضوعات علاقه دارند و در این زمینه مطالعه کرده‌اند، گزینش کنند و مباحث فقه حکومتی را مطرح کنند. روش دیگر این است که طلاب نخبه را که در این زمینه مطالعه کرده‌اند، انتخاب کنیم و این طلاب گروهی را تشکیل دهند و این گروه‌ها زیر نظر اساتید مباحثی را انتخاب و به بحث و بررسی بپردازند» (عبداللهی، رایحه، ۹۸: ۹). دیگری معتقد است: «کرسی‌های آزاداندیشی فقه باید در سطوح نخبگانی و سطوح عالی حوزه مطرح شود و کسانی که تخصص دارند، استاد هستند به این مهم بپردازند. در عین حال در سطوح پایینتر به عنوان کارورزی و آمادگی این مباحث مطرح شود» (اعرافی، رایحه، ۹۸: ۱۰). یکی دیگر از اعضای این جامعه اظهار می‌کند: «در این باره ما در دو سطح باید فعالیت کنیم: در سطح اول باید مباحث فقهی حکومتی را میان مدرسین حوزه‌ها مطرح و در کلاس‌های درس مورد بحث و مذاقه طلاب جوان قرار گیرد. پس از این سطح باید مبادله فکری میان نخبگان حوزوی انجام گیرد و نخبگان حوزوی نتیجه بحث‌های خود را به جامعه علمی کشور عرضه کنند ... همه سطوح حوزه‌های علمیه ما از طلاب جوان تا مراجع تقلید باید این امر را به عنوان اولویت کاری خود در نظر بگیرند» (ممدوحی، رایحه، ۹۸: ۱۴). دیگری معتقد است: «برای آن مهم حوزه‌های علمیه باید در دو سطح کار کنند. در سطح اول سوالات و شبهات مطرح شده در جامعه را پاسخ دهند که در این سطح نیروها و مبلغان زیادی وجود دارد. در سطح دیگر بحث پاسخ عمیق فقهی است» (علیدوست، رایحه، ۹۸: ۵۹).

۶،۲،۹ روحیه تحمل آراء مخالف: مقام معظم رهبری می‌فرمایند: در حوزه‌ها باید روح تتبع علمی و فقهی وجود داشته باشد. حالا ممکن است که به قدر فتوا، مواد آماده نشود، عیبی ندارد، ولی بحث علمی را نکنند. من گاهی می‌بینم که چند نفر در یک بحث فقهی، یک حرف جدیدی مطرح می‌کنند، بعد از اطراف به اینها حمله می‌شود که شما چرا این حرف را زدید! ... در حوزه علمیه باید طاقت شنیدن حرفهای جدید زیاد باشد، هر چند به حدی نرسد که این فقیه، فتوا بدهد. ممکن است دیگری چیزی به آن بیفزاید و فتوا بدهد. (همو، ۷۳/۶/۲۱). یکی از اعضای جامعه مدرسین نیز معتقد است: «چه بسا فقیه به نتیجه‌ای برسد که بگوید این مسئله‌ای که در حال اجراست، خلاف شرع است، باید تحمل کرد و مقام معظم رهبری از این دیدگاه استقبال می‌کند» (خاتمی، رایحه، ۹۸: ۵).



۶،۲،۱۰ ایجاد تحول در ارتباطات دوجانبه مراجع تقلید و نظام اسلامی: یکی از مهمترین اقدامات در سطح مراجع و مجتهدین، ایجاد تحول در جایگاه مراجع عظام تقلید در اداره جامعه و ارتباط آنان با نظام اسلامی و نیز ایجاد تحول در نقش نظام اسلامی در سامان‌دهی پژوهش‌ها و فتاوی مراجع معظم برای اراده جامعه است. وجوه این تحول دوسویه به قرار ذیل است:

الف) مراجع تقلید با بهره‌گیری از مشاوره فقهاء تحت عنوان هیئت‌های فتوا می‌توانند در کنار نظام اسلامی به فرصتی کارآمد تبدیل گردند. زیرا هر یک از کارگزاران نظام اسلامی (اگر مجتهد نباشند) منطقاً پیرو یکی از مراجع تقلیدند؛ لذا باید ارتباطی موثر با مرجع خویش داشته باشند و مراجع نیز باید کارآمدی و کارآیی نظام اسلامی را با استفاده از تاثیر فتاوی خویش در جامعه پیروان از طریق ایجاد یک نظام فقه حکومتی افزون‌تر کنند و از این فرصت طلایی برای پیشبرد اهداف اسلام استفاده کنند و از تفسیر قدیمی استقلال حوزه‌های علمی (جدایی از حکومت) به تفسیری جدید (همکاری با حکومت در عین برخورداری از هویت علمی مستقل) روی آورند. از طرف دیگر، اختلاف فتاوی مراجع می‌تواند با استفاده از حکم حکومتی رهبری در جهت منافع عامه مسلمین به وفاقی مستحکم تبدیل گردد.

ب) با ایجاد نظام فقه حکومتی، رساله‌های عملیه مراجع عظام تقلید، در سطح صدور فتوا، مکلف اولیه احکام را حکومت اسلامی شناسایی، و فتاوی مراجع معظم ناظر به عمل حکومت تبیین گردد و افراد و اشخاص حقیقی در منظر فقهی فتاوا به عنوان شهروندان حکومت اسلامی و مکلف ثانویه مورد توجه قرار گیرند.

ج) همچنین مراجع عظام و زمامداران نظام اسلامی باید توجه عمیق خود را نسبت به لزوم تعمیق بخشی اطلاعات پیروان فقه و شهروندان و کارگزاران نظام اسلامی نه تنها نسبت به چرایی احکام الهی، بلکه نسبت به اهداف شارع مقدس از جعل احکام و چگونگی تحقق این اهداف از طریق اجرای احکام الهی معطوف کنند.

د) ارکان نظام اسلامی می‌توانند با چرخشی صحیح به سمت مراجع و با قادر ساختن آنان نسبت به آگاهی ایشان نسبت به بازخورد فتاوی صادره از طرف آنان و استفاده از همفکری و همکاری آنان در تدوین سیاست‌ها و راهبردهای نظام اسلامی، از نفوذ آنان برای کاهش و حل مشکلات استفاده کنند.

اعضای جامعه مدرسین با اشاره به نقش ارکان نظام و قوای سه‌گانه در تدوین فقه حکومتی معتقدند: «قوای سه‌گانه باید مسائل مورد نیاز خود را تدوین و تحریر کنند، موضوع را درست تقریر کنند و از مراجع پاسخ بخواهند... از دستگاره قضا خواسته شود که هر سال مسائل مورد نیاز عرصه قضا را مطرح کنند، از قوای اجایی خواسته شود که برای تبیین موضوعات بسیج شوند ... در کمیسیون‌های مجلس هم فقیهی وجود داشته باشد که نمایندگان بتوانند از آراء فقهی او بهره ببرند» (خاتمی، رایحه، ۹۸: ۷). یکی دیگر از اعضای جامعه معتقد است: «گروهی از افراد موضوعات مورد نیاز جامعه و حکومت را انتخاب و در اختیار حوزه قرار دهند... در وزارتخانه‌ها و نهادها باید گروهی از حوزویان در نظر گرفته شوند که موضوعات مورد نیاز این نهادها برای قانونگذاری را به حوزه منتقل کنند» (عبداللهی، رایحه، ۹۸: ۹).

۶.۳. اقدامات جامعه مدرسین در راستای تولید فقه حکومتی

پس از بیانات مقام معظم رهبری پیرامون ضرورت پرداختن به فقه حکومتی، جامعه مدرسین فعالیت‌های گوناگونی را در این زمینه آغاز کرده است.

گام اول تشکیل جلسه اعضای جامعه پیرامون این موضوع بود. آیت‌الله کعبی عضو جامعه مدرسین در زمینه این جلسه می‌گوید: «جامعه مدرسین برای پاسخگویی به مطالبه بزرگ رهبری در مسیر نظام‌سازی براساس فقه شیعه تشکیل جلسه داد... سخنان بسیار مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جمع خبرنگاران در زمینه فقه سیاسی و نظام‌سازی افق‌های نوینی را در مسیر نظام‌سازی و تحول بزرگ برپایه اجتهاد و نوآوری در فقه شیعه در آغاز سال تحصیلی به روی حوزویان به ویژه حوزه علمیه قم گشود... برای پاسخگویی به این مطالبه جدی رهبری، جلسه اخیر جامعه مدرسین با حضور حضرت آیت‌الله یزدی و اعضای شورای عالی جامعه مدرسین به این امر مهم اختصاص یافت و همه اعضای جامعه مدرسین که در جلسه حاضر بودند، با تشکر از بیانات راه‌گشا و حکیمانه رهبری در زمینه ایجاد تحول بر پایه فقه اهل بیت و اجتهاد اصیل در حوزه‌های علمی در زمینه فقه سیاسی سخن گفتند و از بیانات ایشان تشکر و قدردانی به عمل آوردند. در این جلسه قرار شد که اعضای جامعه مدرسین تلاش جدی برای اجرایی کردن این مطالبه جدی و به حق رهبری را آغاز کنند».



شماره دوم

بهار و تابستان

۱۳۹۹

در گام بعد، جامعه مدرسین در بیانیه آغازین سال تحصیلی حوزه‌های علمیه، به ارائه دروس متناسب با نیازهای جامعه از جمله توجه به فقه حکومتی تاکید کرد. در این بیانیه آمده است: «رسالت امروز حوزه های علمیه حراست از کیان اسلام و تشیع، مبارزه علمی و عملی با توطئه‌های دشمنان اسلام و خثی ساختن کید منافقان و مزدوران، پاسخ به شبهات علمی و پرسش‌های نسل جوان، هدایت جامعه به سمت معرفه الله و حمایت از نظام مقدس جمهوری اسلامی و حفظ دستاوردهای آن است... طلاب عزیز و جوان، سرمایه‌های علمی و معنوی حوزه های علمیه و امیدهای آینده جهان اسلام‌اند. اکنون که در عصر بیداری اسلامی قرار داریم، چشم جهانیان به حوزه‌های علمیه خیره مانده تا سرمایه‌های آن بتوانند در آینده‌ای روشن، دل‌های مشتاق اسلام و معنویت را از زلال حقایق نورانی آن بهره‌مند سازند. چنین است که هر چه کوشش و تلاش طلاب عزیز در تحصیل علم و تهذیب اخلاق بیشتر باشد، آرزوها دست یافتنی‌تر و افق فرا رو روشن‌تر و امید بخش‌تر خواهد بود... ارائه دروس متناسب با نیازهای جامعه - از جمله توجه به فقه حکومتی، اهتمام به امر تهذیب و اخلاق در مدارس علمیه، حفظ اصالت‌های حوزه و تقویت مبانی فقه سستی و جواهری از مهم ترین امور است. و البته این مهم نباید باعث فراموشی موضوع تحول شود. از این رو نقش مدیریت حوزه در جدا ساختن مرز ابداع ها از بدعت‌ها، و تحول‌خواهی از اصالت‌گزیزی بسیار مهم خواهد بود».

بدیهی است اقدامات جامعه مدرسین به همین موارد محدود نیست و چنانکه برخی از اعضای جامعه مدرسین اذعان نموده‌اند تولید و ارائه فقه حکومتی کاری یک شبه نیست و نیازمند برنامه‌ریزی بلند مدت است و لذا نباید انتظار نتایج زودرس در این زمینه را داشت.

۶.۴. پرداختن به فقه حکومتی در کنار دیگر وظایف

ناگفته نماند پرداختن به فقه حکومتی، تاسیس و تدوین آن به عنوان نرم‌افزار اساسی نظام اسلامی، فقط یکی از کارویژه‌های ضروری و موقعیت‌مند جامعه مدرسین در قبال نظام اسلامی است و ضرورت پرداختن به این مهم، نمی‌تواند مجوز کناره‌گیری از امور دیگر و شانه خالی کردن از دیگر کارویژه‌ها باشد؛ چه اینکه در کنار این مهم، وظایف، کارکردها و کارویژه‌های دیگری نیز بر عهده جامعه مدرسین قرار دارد. امام خمینی (ره) خواستار حضور جامعه مدرسین در متن مسائل بودند. به گونه‌ای که براساس گزارش‌های جامعه مدرسین، در ملاقات خرداد ماه

۱۳۶۱ بر لزوم حضور اعضای آن در مراکز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای ممانعت از انحراف طرح‌ها از فقه اسلام تاکید کرده و با عباراتی قریب به این مضامین فرموده بودند: «شما حرفتان را بزنید و استقامت کنید. اگر شما را از در بیرون کردند از پنجره وارد شوید» (صورت مذاکرات و مصوبات جلسات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱/۳/۲۷). ایشان در آخرین فراز از منشور روحانیت، حوزه و روحانیت را به ارزش دادن به کار برای نظام اسلامی و انجام مسئولیت‌های آن سفارش نموده، می‌نویسد: «نکته آخری که توجه به آن لازم است این که روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل شوند که در حوزه ننشسته‌اند، بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه‌ها را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند» (خمینی، همان، ۲۱: ۱۰۰). از نظرگاه حضرت امام(ره) نه تنها انجام کارهای نظام اسلامی امری مقدس و الهی است، که شانه خالی کردن از آنها به بهانه درس و رسیدن به اجتهاد نیز، عذری غیرموجه و در پیشگاه خداوند، بازخواست حتمی دارد.



شماره دوم
بهار و تابستان

۱۳۹۹

بنابراین حوزه و روحانیت عموماً و جامعه مدرسین خصوصاً، باید با شناخت کارویژه‌ها و وظایف خویش در برابر نظام مقدس جمهوری اسلامی، در صدد انجام وظایف خویش باشند و به نحو احسن از عهده آنها برآید. و صد البته که در حال حاضر، مهمترین کارویژه موقعیت‌مند جامعه مدرسین، تولید و عرضه فقه حکومتی برای اداره نظام و جامعه اسلامی و نیز توسعه انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی به تمدن اسلامی و گستراندن اندیشه جامعه‌ساز و انسان‌پرور اسلام ناب محمدی(ص) می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جامعه مدرسین به عنوان تشکلی سیاسی-اجتماعی و برآمده از حوزه و روحانیت، در مراحل مختلف انقلاب اسلامی، خصوصاً در مراحل ایجاد و استقرار انقلاب، خدمات و فعالیت‌های شایانی به انجام رسانده است. در محله کنونی انقلاب اسلامی، (توسعه انقلاب) نیز وظایف و کارویژه‌های خطیری بر عهده دارد که یکی از مهمترین آنها تولید فقه حکومتی است. علت نیاز انقلاب اسلامی به فقه حکومتی نیز، قرار گرفتن آن در مرحله توسعه از «کشور و دولت اسلامی» به «تمدن اسلامی» است و بدیهی است که تلاش برای تمدن‌سازی با فقه موجود، تلاشی بیهوده است و ما برای ایجاد تمدن اسلامی نیازمند فقهی تمدن‌ساز هستیم. حوزه‌های علمیه عموماً و جامعه مدرسین خصوصاً، در قبال وظیفه‌ای که در برابر انقلاب و نظام اسلامی، در راستای این امر، وظیفه‌ای خطیر و بس سترگ بر عهده دارد. شرایط انقلاب اسلامی برای وصول به تمدن اسلامی و نیز وظیفه روحانیت در برابر تمدن‌سازی اسلامی، این هردو را در مسیری واحد قرار داده است که با تولید و ارائه فقه حکومتی، هدف مشترک این هر دو قابل وصول است. بر همین اساس می‌توان بر ساس یک برنامه ریزی بلندمدت و با تحول در نگرش و رویکرد نسبت به فقه و با استفاده از ابزارهای فرهنگ سازی فقه حکومتی در راستای تولید و ارائه فقه حکومتی گام برداشت. جامعه مدرسین نیز به مثابه نهادی بالادستی و راهبر که جمع‌کنی از مجتهدین و مسئولین حوزه و نظام را در خود گردآورده است، نقش و جایگاه تاثیرگذار در این پروسه دارد.

منابع

- ارانی، تقی (بی تا)، پیسکولوژی، تهران، نشر آبان.
- جمالی، مصطفی (بی تا)، مهندسی تمدن اسلامی و جنبش نرم‌افزاری، قم، فرهنگستان علوم اسلامی.
- خبرگزاری ایکتا (۱۳۹۰)، نشریه تخصصی خبرگزاری قرآنی، سال ششم، شماره ۹۸، اسفند ۹۰.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم، موسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله؛ صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
- دارایی، علی (۱۳۸۹)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رحمان‌دوست، مجتبی (۱۳۸۰)، «گذری بر تاریخچه اندیشه گروه فرقان»، مجموعه مقالات مصلح بیدار، گردآورنده محمد حسین واقفی، قم، صدرا.
- رونالد چیلکوت (۱۳۷۷)، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، رسا.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، فریه‌تر از ایدئولوژی، تهران، موسسه فرهنگی صراط.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸)، مدارا و مدیریت، تهران، موسسه فرهنگی صراط.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۰)، روحانیت و سیاست، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- گرامی، محمد علی (۱۳۸۲)، میزگرد روحانیت و دولت، فرهنگ اندیشه، سال دوم، شماره هشتم.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۶)، ایمان و آزادی، تهران، انتشارات طرح نو.
- مشکانی، عباسعلی (۱۳۹۲)؛ فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲.
- مشکانی، عباسعلی، (۱۳۹۰)، فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۶۰.
- میرسلیم، مصطفی (۱۳۸۹)، جریان‌شناسی فکری بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران، نشر باز.



شماره دوم
بهار و تابستان
۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی